

دو یادداشت ارسالی

گسترش ترور و خفقان نشانه چیست؟

رژیم دیکتاتوری مذهبی سرمایه داری در تهران و چند شهر دیگر اعدام های خیابانی به راه انداخته است. هدف از این اعدام ها چیست؟ مردم آن را چگونه باید به آن پاسخ دهند؟ علیرغم ارزش ها و احکام شرعی که ممکنست هر قاضی خاص به آن اعتقاد داشته باشد و بر آن اساس حکم به گرفتن جان محکوم بدهد، و علیرغم اینکه جرم هر يك از این محکومان به اعدام چه باشد، باید تاکید کنیم که هدف حکومت فقط يك چیز است: ایجاد فضای رعب و وحشت در کل جامعه. اعدام های گسترده، خواه در ملاء عام باشد خواه در پشت دیوار زندان، در خدمت چنین هدفی است. اتفاقی نیست که در این دوره خبر این اقدامات وحشیانه با آب و تاب و تصویر در رسانه های عمومی منعکس می شود. با گروهی عقب مانده و متعصب و جیره خوار نیز مصاحبه می کنند و به اصطلاح از ”مردم“ مهر تایید می گیرند. جمهوری اسلامی حتی برای برخی استان ها سهیه اعدام تعیین کرده است. یعنی باید به طور نسبی هر سال تعداد معینی از محکومان را اعدام کنند!

ترس رژیم از چه خطری است که چنین هراس افکنی می کند؟ احتمال بروز اعتراضات مردمی! اعتراض به وضع موجود! اعتراض به نظام ستم و فقر و فلاکت و جهل که به واقع باعث و بانی نا امنی و جرم و جنایت و تجاوز به زنان و کودکان هم هست! همه این زشتی ها و تبهکاری ها محصول مستقیم نظام سرمایه داری تحت سلطه و در راس آن رژیم مستبد و فاسد مذهبی است. اتفاقی نبود که شماری از اعدام ها در آستانه اول مهر و زمزمه بروز اعتراضات دانشجویی با محوریت اعتراض به تفکیک جنسیتی انجام گرفت. حکومت البته می کوشد و انمود کند که دارد امنیت ایجاد می کند و مجرمان را به سزای اعمالشان می رساند. آخرین مورد، اعدام چهار نفر به جرم حمله به يك مهمانی در خمینی شهر و تجاوز به چندین زن در آن جا است. روزنامه های چند روز پیش متن مشترکی را در مورد این اعدام ها منتشر کرده بود که در آن به نقل از آخوندی گفته شده بود زنان شرکت کننده در آن مهمانی هم حجاب شان را رعایت نکرده بودند. یعنی خودشان هم به نوعی مقصر بوده اند.

در ماه های اخیر سرکوب به شکل محسوسی افزایش یافته است. به هر گونه جمعی که بوی اعتراض بدهد هجوم می برند. می زنند و دستگیر می کنند. هدف از فعال شدن گشت های ارشاد در چهار راه های اصلی و میدان های تهران و چند شهرستان دیگر القای ضعف و شکست به مردم به ویژه جوانان و زنان است. در چند شهر کردستان تعداد زیادی از فعالین سیاسی و صنفی را دستگیر کرده اند. در سنج و کامیاران و روانسر ماموران نیروی انتظامی به شکل وسیع به خانه های مردم هجوم برده، روی پشت بام رفته و دیش های ماهواره را شکسته اند. این ها همه نشانه هراس رژیم از آگاهی سیاسی مردم است.

ظاهرا پیش بینی دستگاه اطلاعاتی و تحلیل گران سیاسی حکومت اینست که جامعه در آستانه انتخابات مجلس که در بهمن ماه امسال برگزار خواهد شد ظرفیت ورود به روزهای پر تنش و خارج از کنترل را دارد. بر این اساس، رژیم تصمیم گرفته حجم سرکوب و کنترل را بالا ببرد، به شکل فرسایشی بر سر هر مساله ریز و درشتی به مردم گیر بدهد و انرژی شان را بگیرد. به این خیال که حوالی انتخابات کسی دیگر جرات یا حال و حوصله اعتراض و ”شلوغ کاری“ نداشته باشد. البته تاریخ نشان داده که این گونه اقدامات مثل يك شمشیر دو لبه است. یعنی می تواند انبار خشم و نفرت توده ها را فشرده تر کند و بار دیگر جرقه ای - که از اینک نمی توان شکل بروزش را پیش بینی کرد - باعث يك انفجار سیاسی شود.

تفکیک جنسیتی: تحقیر جنسیتی!

دانشگاه به پاخیز! علیه تحقیر زن، علیه ظلم و تبعیض!

تا به حال چند دانشگاه در زنجان و مازندران و تهران نسبت به طرح تفکیک جنسیتی که در واقع همان تحقیر جنسیتی است عکس العمل نشان داده اند و طلایه های مبارزه ای بر حق و پرشور را شاهد هستیم. مقامات دولتی تحت عناوین مختلف فرهنگی و دینی در مورد این طرح ستمگرانه سخن پراکنی کرده اند. اندیشه آزادیخواه و نوگرای جوانان را با ذهنیت کهنه و کثیف خود یکی گرفته اند و دانشگاه مختلط را سرمنشاء ”گناه“ و ”فساد“ در جامعه معرفی کرده اند! فرمولی هم که برای اجرای طرح تفکیک جنسیتی به کار گرفته

اند مستقیم و روشن است: چماق حراست + جاسوسی بسیج دانشجویی + حضور نیروی انتظامی و اطلاعاتی به هنگام بروز مقاومت و اعتراض دستجمعی! بقیه حرف ها در مورد "تاریخچه حجاب" یا "رنگ و مدل حجاب برتر" حرف مفت است. سر کاری است. خودشان هم خوب می دانند. می خواهند دانشگاه های جداگانه زنانه ایجاد کنند. می خواهند در محیط هایی که هنوز مهر جنسیتی بر خود ندارد، کلاس ها و سلف ها را فعلا جدا کنند. سرویس های رفت و آمد هم بخشا شامل جداسازی شده اند .

اسلامی کردن دانشگاه ها از روز اول یکی از دغدغه های اساسی ایدئولوژیک و سیاسی رژیم بوده است. طرح تفکیک جنسیتی با هر توجیه دینی و اخلاقی که باشد، در واقع با هدف کنترل دانشجویان و جلوگیری از به پاخیزی يك جنبش گسترده سیاسی و نواندیش دانشجویی که حاکمیت ارتجاعی را نشانه رود طراحی شده است. این طرح به خصوص دختران دانشجو را هدف قرار می دهد چرا که رژیم با مشاهده حضور گسترده و رادیکال زنان جوانان در خیزش سال ۸۸ به ظرفیت انفجاری این بخش از جامعه پی برده است. رژیم که در به خانه راندن دختران جوان و محدود کردن آنان به ایفای نقش درجه دوم و مطیع نظام سیاسی مردسالار و خانواده پدرسالار شکست خورده، گمان می کند که حالا با کشیدن دیوار تفکیک جنسیتی می تواند راه رشد آگاهی سیاسی و اجتماعی را در میان این نیروی مستعد اجتماعی ببندد.

اجرای طرح تفکیک جنسیتی جدا از اینکه چتر سرکوب و کنترل را بر سر جامعه گسترده تر می کند، در عمل به معنی محرومیت دختران دانشجو از امکانات بیشتر برای رسیدن به مدارج بالاتر علمی و در دسترس نداشتن استادان بهتر هم هست. نتیجه نهایی طرح تفکیک جنسیتی اگر رژیم قادر به اجرای آن شود و از طریق مقاومت و مبارزه ای در خور توسط توده های دانشجو و قشرهای دیگر مردم در هم شکسته نشود، بی آیدنگی بیشتر برای نسل جوان دختران و محدود شدن زمینه های اشتغال آنان در جامعه بعد از خاتمه تحصیل است. تا دوباره خیل عظیمی از زنان کشور به نقش خدمتکار خانگی گردن بگذارند و زیر شلاق مردسالاری بسوزند و بسازند . اما برای به شکست کشاندن جمهوری اسلامی و طرح پلید تفکیک جنسیتی کماکان باید اهداف و ابعاد آن را برای مردم توضیح داد و اهمیت مبارزه با آن را پیگیرانه در کل جامعه و به ویژه در محیط های آموزشی تبلیغ کرد. مثالی بزینم: اخیرا گروهی از دانشجویان مبارز پلی تکنیک سریعا نسبت به مرگ دلخراش آمنه، دختر دانشجویی که در حمام خوابگاه جان خود را از دست داد، عکس العمل نشان دادند و با برپایی تحصنی رزمنده مقامات اصلی دانشگاه را به عنوان مسئولین واقعی این مرگ هدف گرفتند. این مبارزه ای برحق بود که شور و شوق را در میان دانشجویان آزادیخواه سراسر کشور دامن زد. اما تحصن پلی تکنیک به دلایل مختلف از مطرح کردن شعارهای مشخص علیه طرح تفکیک جنسیتی باز ماند و به پیشنهادهایی که در این زمینه مطرح می شد پاسخ نداد. آیا جز اینست که هنوز بخش بزرگی از دانشجویان - حتی دانشجویان مبارزه جو - اهمیت این مساله و مبارزه برای به شکست کشاندنش را عمیقا درک نکرده اند؟ به مساله باید اینطور نگاه کرد اگر این دست نامرئی نظام حاکم بود که راه تنفس آمنه را بست و جانش را گرفت، طرح خفقان آور تفکیک جنسیتی نیز می خواهد راه نفس کشیدن و پر و بال باز کردن نسل جوان به ویژه دختران را ببندد و جان يك مرکز مهم آگاهی و مبارزه به نام دانشگاه را بگیرد.

ما یاران جوانان، دختران و پسران مبارز در محیط های آموزشی سراسر کشور را به مبارزه ای متحد، نقشه مند، هوشیارانه و سرشار از ابتکار و خلاقیت علیه طرح تفکیک جنسیتی فرا می خوانیم. در ماه هایی که در پیش است نقاط ضعف و شکاف رژیم حاکم بیش از پیش آشکار خواهد شد و فرصت ها و امکانات زیادی برای پیشروی مبارزات ما به وجود خواهد آمد. سازماندهی مقاومت و اعتراضات امروز، ما را در تلاطمات فردا در موقعیت به مراتب بهتر و قوی تری قرار خواهد داد تا در پیشانی يك جنبش انقلابی به ایفای نقش بپردازیم.